



مجموعه چهارجلدی «تاریخ مصور ایران باستان» درواقع روایتی است از سرگذشت و سرنوشت مردم ایران، از سپیده دم تاریخ تا پایان ساسانیان.

شاهرخ رزمجو،باستان شناس ایرانی ومتخصص دوره هخامنشی، در مراسم رونمایی از مجموعه چهار جلدی «تاریخ مصور ایران باستان» که یکشنبه ۲۰ اسفندماه ۱۴۰۲ در سالن همایش موزه ملی ایران برگزار شد، گفت: جای چنین کتابی در کشور ما خالی بود، این کتاب مجموعه ای است که بسیاری از موضوع ها راگردآوری کرده تا برای همه قابل فهم باشد. بسیار مهم است که در مورد دوره های مختلف به ویژه دوره هخامنشی بدانیم.

احسان رضایی، دبیر مجموعه انتشاراتی سایان که این مجموعه را منتشر کرده است نیز گفت: در این مجموعه چهارجلدی به جای گفتن حرف های کلیشه ای سعی کردیم تاریخ این سرزمین را نشان بدهیم. جای خالی چنین اثری کاملا حس می شد که انگیزه ما برای تولید این اثر شد. ما کار کوچکی برای ایران بزرگ انجام دادیم. با این مجموعه می توانیم ایران را بیشتر بشناسیم، به ایران بیشتر فکر کنیم و ایران را بیشتر

دوست داشته باشیم. علی نصیریان، هنرمند پیشکسوت کشورمان نیز که در این مراسم رونمایی حضور داشت در صحبت ها یی کوتاه گفت: «چقدر صحبت های قشنگی کردند،همه درباره ایران بود. چه آواز زیبایی خواندند. همه درباره ایران بود. همه چیز ایران است.»



داستان‌هایی از ووهان چین در زمان قرنطینه کرونا

شهری در سکوت مرگبار

کتاب «شهری در سکوت مرگبار؛ داستان‌هایی واقعی از ووهان» نوشته موروثگ شویی چن به تازگی با ترجمه مسعود یوسف حبصرچین به وسیله انتشارات ققنوس منتشر و راهی بازار نشر شده است. نسخه اصلی این کتاب را انتشارات نیوپرس در سال ۲۰۲۳ منتشر کرده است.

صادق وفایی در خبرگزاری مهر نوشته است: دغدغه نویسنده کتاب پیش‌رو،از اواخر سال ۲۰۱۹ ریشه می‌گیرد که ویروس کرونا در بزرگ‌ترین شهر مرکزی چین خود را نشان داد و ۱۱ میلیون سکنه ووهان با وحشت به آینده چشم‌دوختند. شایعاتی درباره بیماری جدید پخش شد و مردم در ورودی بیمارستان‌ها صف کشیدند. مقامات در ابتدا مباحث نگران‌کننده را رد کردند، اما در مدت کمی، قرنطینه تمام شهر را شامل و حبس خانگی مردم آغاز شد. کتاب «شهری در سکوت مرگبار»، داستان هشت نفر از ساکنان ووهان است؛ یک پزشک در مواجهه مستقیم با بیماری، یک تاجر متزوی و جدافتاده از خانواده، یک داوطلب برای مبارزه با بیماری که خود را وقف رسیدگی به مردم و بیماران در حال مرگ کرده، یکی از وفاداران به حزب کمونیست که برای هر اتفاقی توجیهی دارد و چندتن دیگر.

● در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

«ووهان شبیه شهر ارواح شده است. در طول مسیر از چند منطقه سوت و کوری می‌گذرد که معمولاً تا ساعت‌های اولیه بامداد پر از جوانان شیک بود و از آنجاصدای بلند موسیقی به گوش می‌رسید. اما در ساعت‌های اولیه بامداد ۲۳ ژانویه، شوون نه کسی را

می‌بیند و نه کوچک‌ترین صدایی می‌شنود جز صدای ورزش آرام نسیم. بعداً می‌نویسد: «حتی چراغ‌های خیابان هم سرد بودند». فقط اتومبیل آن‌ها در خیابان است، انگار در گورستانی بزرگ و متروکه حرکت می‌کند. ترس برش می‌دارد. هنوز می‌ترسد و می‌گوید: «باورکردنی نبود. صحنه کاملاً سوررئالی بود. هیچ وقت ووهان را این شکلی ندیده بودم.»



خادم
 گزارش خبری
نشست «رمان به مثابه رسانه» همراه با نقد و بررسی سفرنامه «نیم دانگ پیونگ یانگ» با حضور

● جستار پدیده جدیدی بر دنیای روزنامه نگاری تسلط یافته

هادی خانیکی، نویسنده و استاد علوم ارتباطات

در مدت بیش از سی سالی که ارتباطات را تدریس کرده‌ام، فهمیده‌ام که ارتباطات را نمی‌شود محدود به رسانه کرد. ارتباطات فرایندی بزرگ‌تر از رسانه است. چه رسانه‌های جمعی چه رسانه‌های خودانگیزخته مانند شبکه‌های اجتماعی.

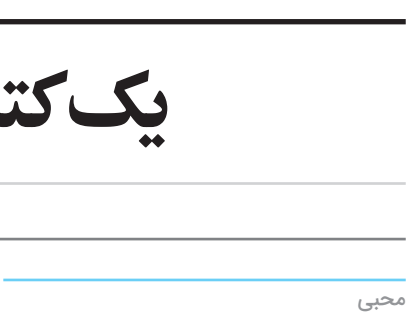
من چهار پدیده را پدیده‌های ارتباطی می‌گیرم؛ ادبیات داستانی (اعم از رمان، داستان، نادرمان و ...)، تئاتر، سینما (منظورم سینمایی است که خدمت توسعه قرار می‌گیرد، سینمای اجتماعی و سینمای مستند) و چهارمی شعر است. در جامعه ایران به نظر من اگر کسی شعر را نداند نمی‌تواند ارتباطات را بفهمد. جایی دیدم که آلمانی‌ها در میان سازندگان آلمان جدید، بیشترین سهم را به‌گوته داده بودند. جدید را به یک شاعر داده بود، اما ما هر وقت در ایران صحبت از توسعه کرده‌ایم گفته‌ایم ای کاش حافظ نداشتیم که زودتر صنعتی می‌شدیم.

به عنوان کسی که ورودش به ارتباطات از روزنامه نگاری بوده می‌گویم که پدیده جدید روزنامه نگارانه که دارد بر همه حوزه‌های دیگر مسلط می‌شود جستار است. اگر گذشته خبرو عکس و گزارش دارد مهم می‌شود.

مسئله دیگر این است که باید در ارتباطات به ترکیب متن و فرامتن توجه کرد. فقط متن خبری و ارتباطی مهم نیست. آن فرامتنی که ما را می‌کشاند به تخیل و مداخله تخیل، هم اهمیت پیدا کرده و مسئله دیگر این است که تحولات ارتباطی در متن تحولات اجتماعی رخ داده است. مسئله‌ای که الان در جامعه ما رخ داده این است که مکان‌ها، نمادها و امکان‌های جدید اهمیت تازه‌ای پیدا کرده‌اند.

اگر امروز از روایت حرف می‌زنیم منظورمان این است که این روایت فراتر از تکنیک، الگوریتم‌ها و فراتر از همه فنون ارتباطی برای شنونده و بیننده اهمیت پیدا کرده است. شنونده و بیننده الان در کافه‌ها، خیابان، مترو، خانواده، دانشگاه و امثالهم است. در اینجا باید رمان را مهم دانست.

مانوئل کاستلز که به نوعی تئوریسین شبکه‌های مجازی است باور دارد که جامعه در سطح جهانی تبدیل شده به جامعه شبکه‌ای. ارتباطات عمودی و از بالا به ارتباطات افقی تبدیل شده است. پیش از کاستلز، تئوری مرکزی ارتباطات همان حرف مارشال مک لوهان، دیگر نظریه پرداز بزرگ ارتباطات بود که



● صحبت از وجود کتاب‌فروشی‌های ویژه کودکان، از آن دست صحبت‌هایی است که همیشه در وهله اول کلی به به و چه چه به دنبال دارد و از آن استقبال می‌شود. اما هیچ‌ان اولیه که فروش می‌کند کم‌کم اما و اگرها به میان می‌آید و سؤال‌ها شروع می‌شود. سؤال‌هایی نظیر اینکه چه تضمینی وجود دارد که از این کتاب‌فروشی استقبال شود؟ یا اگر فروش پاسخگوی هزینه‌ها نباشد چه؟ و بعد هم می‌رسند به داستان همیشگی فرهنگ‌سازی و زیرساخت‌های کتاب‌خوان کردن مردم و در نهایت نیز با یک «نه» غلیظ و محکم پیورنده این داستان بسته می‌شود. اما آیا واقعا این کار شدنی و ممکن است؟

● یک جای خالی بزرگ

امروزه در شهر خودمان مشهد، کتاب‌فروشی‌های معتبری چون «پرديس کتاب» یا «شهر کتاب» وجود دارند که تمرکز خوبی روی بحث کتاب‌کودک و نوجوان دارند. یا «بوکتاب» که روی کتاب‌کودک و نوجوان مانور ویژه‌ای می‌دهد. شاید برخی از شما کتاب‌فروشی «خورشید خانم» را نیز به خاطر داشته باشید. جایی که به‌صورت تخصصی کتاب‌های حوزه‌کودک‌ونوجوان را می‌فروخت، اما دیگر خبری از آن نیست. به نظر، جای خالی یک کتاب‌فروشی ویژه کودکان همچنان احساس می‌شود؛ جایی که سرتا پای آن، از ورودی گرفته تا طراحی دکوراسیون داخلی‌اش، فریاد بزند که اینجا یک کتاب‌فروشی مخصوص کودکان است. نیلوفر نیک‌بنیاد، نویسنده حوزه‌کودک و نوجوان، در گفت‌وگویی که جندی پیش با روزنامه‌شهرا را داشت از این‌گفت‌که ضرورت وجود چنین فضایی نه فقط در مشهد، بلکه در بسیاری از شهرها به‌طور جدی احساس می‌شود. فضایی که این‌امکان را به والدین می‌دهد تا فرزندان خود را با خیال راحت به‌آنجا ببرند و خیالشان از بابت دسترسی به کتاب‌های دارای ارزش ادبی و محتوایی‌آسوده باشد. درست است

نشست «رمان به مثابه رسانه» همراه با نقد و بررسی سفرنامه «نیم دانگ پیونگ یانگ» در دانشگاه فردوسی برگزار شد

رمان می‌تواند سبب هم‌بستگی اجتماعی شود



بالا رفتن هم‌بستگی اجتماعی شود. رضا امیرخانی نیز درباره سفرنامه و تفاوت‌ها و شباهت‌های آن با رمان و آثار داستانی صحبت کرد. آنچه در ادامه می‌آید بخشی از صحبت‌های این دو تن است.

است، اما در همان نیم دانگ قصه و قابلیت‌هایی که گفتم را دارد.

● سفرنامه و مستندنگاری نویسنده اش را می‌میراند

رضا امیرخانی، نویسنده

من بسیاری از فوننی که در رمان به آن مسلط هستم در سفرنامه و مستندنگاری استفاده می‌کنم؛ در سفرنامه شخصیت پردازی، فضا‌سازی و دیالوگ‌نویسی می‌کنم. ولی به نظر خودم سفرنامه با رمان تفاوت‌هایی دارد. ما گاهی خیلی رمان را ساده می‌کنیم تا بتوانیم تصویر عمومی‌تری از آن داشته باشیم. مثلاً می‌گوییم رمان چیزی است که در آن تعلیق داریم. اگر این‌طور نگاه کنیم تمام قبوض آب و برق امسال رمان است، برای اینکه قیمت‌ها وقتی بالا می‌رود آن قدر تعلیق دارد که‌هی برمی‌گردید از ازل می‌خوانید تا ببینید چقدر مصرف کرده‌اید و چه اتفاقی افتاده است. سفرنامه هم اگر تعلیق نداشته باشد مخاطب رهایش می‌کند.

روشن است که سفرنامه برعکس رمان، متخیل نیست؛ متنی نیست که در آن دنیای خیالی ساخته باشم. در سفرنامه شما قراردادی با مخاطب داری که آنچه را دیده‌ای روایت کنی. به یک معنا مستندنگاری و سفرنامه نویسی از دید من نویسنده علی‌رغم همه شباهت‌هایی که با رمان دارد یک تفاوت اساسی با آن دارد؛ اینکه سفرنامه و مستند، نویسنده‌اش را می‌میراند. در حالی که داستان نویسنده‌اش را می‌زایاند. من می‌توانم نسبت به داستانی که نوشته‌ام در زمان‌های مختلف نظرهای مختلفی داشته باشم. داستان موجودی زنده است و من هم در مواجهه با آن زنده‌ام. اما در مواجهه با سفرنامه من مرده‌ام.

نمی‌توانم هیچ چیز تازه‌ای به آن اضافه کنم. اگر چیزی باشد که نگفته باشم یا چیزی غیر از آنچه نوشته‌ام بگویم، در ارتباطم با مخاطب، در آن طرح‌نامه‌ای که با مخاطب سفرنامه داشته‌ام خیانت کرده‌ام. ولی اگر امروز داستان بیست سال پیشم را به من بدهید حتماً قسمت‌هایی از آن را تغییر می‌دهم یا حذف و اضافه می‌کنم. می‌توانم با جهان آن داستان بازی کنم. چون خیالی است، این تفاوت عمده سفرنامه و رمان است. به‌نظرم بخشی از اقبالی که ما در جامعه‌مان نسبت به مستندنگاری‌ها و کارهای غیرمتخیل نشان می‌دهیم، به این خاطر است که نویسنده‌اش مرده است. یعنی مثلاً من دیگر نمی‌توانم درباره



رضا امیرخانی، نویسنده: بعضی‌ها قدرت روایت متفاوت دارند و برخی می‌گویند اگر این قدرت را نداریم دست کم برویم سراغ جایی که پای کسی به آنجا نرسیده است

خود سفرنامه قالبی منسوخ است. گوگل دیگر سفرنامه‌هایی مانند این بطوطه و ناصر خسرو و مارکوپولو را از بین برده است. درباره هر جای جهان سؤالی داشته باشید می‌توانید با جست‌وجو در گوگل به پاسخ آن دست پیدا کنید. مهم‌ترین نکته درباره سفرنامه امروز این است که بتوانید نگاه متفاوتی را نسبت به جایی که به آن رفته‌اید ارائه کنید. بعضی‌ها قدرت روایت متفاوت دارند و برخی می‌گویند اگر این قدرت را نداریم دست‌کم برویم سراغ جایی که پای کسی به آنجا نرسیده است. من چه در سفرنامه سیستم، چه در سفرنامه افغانستان و چه در سفرنامه کره‌شمالی به جایی رفتم که احتمالاً برای مخاطب عمومی رفتن به آنجا مقدور نبود. از این جهت سفرم به کشورهای دیگر نتوانسته به نوشتن سفرنامه منجر شود.

یک کتاب‌فروشی خیلی خیلی ویژه برای کودکان

آیا ایده وجود یک کتابخانه که برای نوزادان کتاب پارچه‌ای داشته باشد مسخره است؟



عکس: احمد حسینی اشوری

خواندن با آقای بی» در سامرست انگلیس است. در این کتاب‌فروشی شما با درخشان‌ترین و شاید عجیب‌ترین دکوراسیون‌ها روبه‌رو می‌شوید. اینجا حتی حمام‌ها هم با تم کتاب هستند؛ کتاب‌های این کتاب‌فروشی براساس موضوع فهرست شده است، پیمایش در آن آسان است و فضای زیادی برای مرور وجود دارد. این کتاب‌فروشی دو بار

به‌عنوان کتاب‌فروشی مستقل سال انتخاب شد. در این کتاب‌فروشی رویدادهای زیادی برای کودکان و بزرگ‌سالان برگزار می‌شود که نویسندگان و تصویرگران برجسته‌ای مانند کریس ریدل، برنده جایزه سابق کودکان، در آن حضور دارند. ● بله، استقبال می‌شود اما آیا از یک کتاب‌فروشی که سرتاسر آن ویژه کودکان باشد استقبال نمی‌شود؟ این سؤالی است که ما آن را از چند خانواده که کودک و نوجوان دارند پرسیدیم و پاسخ‌های زیر را دریافت کردیم. یک نفر می‌گوید: «من احساس می‌کنم همین‌الان هم گزینه‌های خیلی خوبی در مشهد وجود دارد که بتوان به آن‌ها سرزد، برایشان کتاب‌های مناسبی تهیه کرد تا بهشان خوش بگذرد، «مادری که یک‌فرزند هشت‌ساله دارد می‌گوید: «من از خدایم خواهم چنین جایی در شهرمان وجود داشته باشد تا بتوانم با خیالی‌آسوده با فرزندم در آن بچرخیم. جایی که حتی اگر خودمان هم نبودیم، فرزندمان بتواند بدون حضور ما با آرامش کامل از آن فضا استفاده کند.» و دیگری چنین می‌گوید: «اگر مقصود تهیه کتاب برای کودکان و نوجوانان است که اصلاً کار سختی نیست. حضوری هم نشود می‌توانیم اینترنتی تهیه کنیم. اما واقعا به فضایی که هم سرگرم‌کننده باشد و هم یک بستر فرهنگی مناسب که آورده فرهنگی خوبی برای بچه‌ها داشته باشد احساس می‌شود. مثلاً جایی که جدا از خرید کتاب، بچه‌های هم‌سن‌وسال علاقه‌مند به فیلم، باهم فیلم ببینند، لذت ببرند و بتوانند درباره آن صحبت کنند یا بازی‌ها و سرگرمی‌های دیگری هم وجود داشته باشد.»

داده‌اند یا فیلم‌های جذاب و هیجان‌انگیزی را برای قشر نوجوان به نمایش می‌گذارند. خب مگر فرهنگ‌سازی قرار است به چه صورت انجام شود؟

● حتی حمام‌هایی با تم کتاب!

بزرگوار این‌ها در روزهای گذشته به نقل از وب‌سایت انتشارات بین‌المللی پنگوئن، مطلبی را منتشر کرد که در آن چند نمونه از برترین کتاب‌فروشی‌های مستقل کودک را معرفی کرده بود. همچنین از این گفته بود هفته‌هایی در سال به کتاب‌فروشی‌های مستقل اختصاص دارد که بهترین محل برای جشن گرفتن با کودکان به عنوان مخاطبان کتاب است. کتاب‌فروشی «ادینبورگ» در ادینبورگ یکی از همین کتاب‌فروشی‌هاست که در فهرست نهایی بهترین کتاب‌فروشی کودکان در جوایز کتاب بریتانیا قرار گرفته است. یک کتاب‌فروشی که سروشکل آن کاملاً از آلمان‌های مخصوص کودک و نوجوان ساخته شده است و برنامه‌هایی چون جلسه‌های هفتگی داستان را نیز برگزار می‌کند. آلمان‌هایی چون یک نردبان که نویسندگان بازدهی‌کننده آن را امضا کرده‌اند. یک نمونه دیگر آن کتاب‌فروشی «لذت کتاب

که بخشی از کتاب‌فروشی‌های بزرگ‌به‌کودک و نوجوان اختصاص پیدا کرده است و فروش خوبی هم دارند، با این حال، جای خالی یک فضا، با طراحی خاص برای کودکان و با فروشنده‌های متخصص احساس می‌شود و ضرورت دارد. اگر به اطراف خود نگاه کنیم متوجه می‌شویم درحالی‌که بسیاری از آدم بزرگ‌ها کتاب نمی‌خوانند، اما از اینکه بچه‌های‌شان کتاب بخوانند خیلی استقبال می‌کنند و برای آن هزینه هم می‌کنند. حتی باوجود گران بودن آن.

● این فرهنگ‌سازی که می‌گویند چگونه است دقیقاً؟ یک جست‌وجوی ساده در اینترنت، مشخص می‌کند شهرها و کشورهای زیادی هستند که در این حوزه سرمایه‌گذاری کرده‌اند و بخشی از دنیای کتاب و ادبیاتشان را به صورت ویژه برای کودکان طراحی کرده‌اند. از دکوراسیون داخلی گرفته تا آلمان‌های ظاهری که استفاده شده است و برنامه‌هایی که در آن برگزار می‌شود. به عنوان مثال، شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید کتاب‌فروشی‌هایی در دنیا وجود دارد که حتی برای نوزادان هم قفسه‌ها و کتاب‌هایی در نظر گرفته‌اند و در آن کتاب‌های پارچه‌ای قرار